

دکتر باقرپور کاشانی

نسبت‌های ناروای کتاب مقدس
به حضرت داوود علیه السلام

نسبت‌های ناروای کتاب مقدس به حضرت داوود عليه السلام

این کتاب مقدس، عهد عتیق و جدید، این کتابی هست که مسیحیت قبول دارد! کتاب دوم سموئیل باب یازدهم، ماجراهایی را تعریف کرده، از جمله ماجرای داوود عليه السلام.

نوشته که حضرت داوود عليه السلام بالای پشت بام می‌رود، از دور چشمش به یک خانمی می‌افتد که این خانم، لخت و در حال شست‌وشوی خودش بوده. چون این خانم زیبا بوده، داوود طمع به او طمع می‌کند و به اصحابش می‌گوید این خانم را بیاورید.

وقتی او را می‌آورند، می‌فهمد که این همسر یکی از سربازان باوفا به نام «اورایای حتی» بوده. داوود با زن شوهردار زنا می‌کند و این خانم حامله می‌شود. این خانم که حامله می‌شود، به سربازان داوود می‌گوید بروید داوود را مطلع بکنید که من حامله شدم.

داوود برای اینکه آبرویش نرود، این جناب اورایای حتی را می‌طلبد، می‌گوید من به تو مرخصی می‌دهم، دیگر جنگ نکن، به خانه‌ات برو و با همسرت باش. داوود هر کار می‌کند، اورایای حتی می‌گوید من حاضر نیستم! سپه‌سالار من «یوآب» در سختی‌های جنگ هست، سربازان در سختی جنگ هستند، من بروم دنبال خوشی خودم؟! نه! من این کار را انجام نمی‌دهم!

بعد داوود چی کار می‌کند؟ داوود، به سپه‌سالار خودش یوآب یک نامه‌ای می‌نویسد مَهرش می‌کند، به اورایای حتی می‌دهد، می‌گوید آن را به یوآب بدهد.

در نامه‌ای که به یوآب نوشته، می‌گوید که این سرباز را نوک سپاه قرار بدهد، به سربازهای دیگر بگو پشتش را خالی کنند تا این کشته شود. یوآب هم تقریباً همین کار را انجام می‌دهد و این سرباز کشته می‌شود. وقتی کشته می‌شود، خبر مرگ او به زن اوریا می‌رسد که شوهرش کشته شده است. بعد داوود می‌گوید آن خانم را بیاورید. او را به خانه خودش می‌آورد، همسر خودش می‌کند و آن بچه زنازاده متولد می‌شود.

این داستان تحریف شده در کتاب مقدس هست. حالا برخی می‌گفتند امتحان هست! لغزیده! گفتم شما وقتی نگاه می‌کنی یک آدم معمولی وقتی این کار را انجام بدهد، می‌گویند این یک آدم خائن هست! بعد هم چه کار کرده؟ این سرباز باوفای خودش را به کشتن داده! یعنی در حقیقت قتل انجام داده! با زنش زنا کرده و فرزند ولد زنا ایجاد شده، بعد شما این را به عنوان پیغمبر خودتان، الگو و اسوه خودتان در نظر می‌گیرید؟! می‌گفت بله!

صریح‌تر بگذارید من مطلب را بخوانم؛ در کتاب مقدس صفحه ۴۹۰ باب ۱۱، کتاب دوم سموئیل یازده:

«داوود از بسترش برخاسته، بر پشت بام خانه پادشاه گردش کرد و از پشت بام زنی را دید که خویشتن را شست و شو می‌کند و آن زن بسیار نیکو منظر بود. پس داوود فرستاده درباره زن استفسار نمود و او را گفتند:

که آیا این «بَثْشَبَع» (بَث شَبَع) دختر اَلیعام، زن اوریای حتی است. و داوود قاصدان فرستاد او را گرفت و او نزد وی آمده. داوود با او هم‌بستر شد و او از نجاست خود طاهر شده به خانه‌ی خود برگشت و آن زن حامله شد و فرستاده‌ی داوود را مخبر ساخت و گفت که من حامله هستم. پس داوود نزد یوآب فرستاد که اوریای حتی را نزد من بفرست.»

یوآب که بود؟ سپهسالار بود.

«یوآب، اوریا را نزد داوود فرستاد و چون اوریا نزد وی رسید، داوود از سلامتی یوآب و از سلامتی قوم و از سلامتی جنگ پرسید و داوود به اوریا گفت: به خانه‌ات برو و پاهای خود را بشور. پس اوریا از خانه‌ی پادشاه بیرون رفت و از عقبش خانی از پادشاه فرستاده شد».

یک نفر هم فرستاد ببیند این به خانه‌اش می‌رود یا نه!

«اما اوریا در خانه‌ی پادشاه به سایر بندگان آقایش خوابیده به خانه‌ی خود نرفت، و داوود را خبر داده گفتند که اوریا به خانه‌ی خود نرفته. پس داوود به اوریا گفت: آیا تو از سفر نیامده؟ پس چرا به خانه‌ی خود نرفتی؟»

اوریا به داوود عرض کرد که تابوت و اسرائیل و یهودا در خیمه‌ها ساکنند و آقام یوآب و بندگان آقام بر روی بیابان خیمه‌نشینند و آیا من به خانه‌ی خود بروم تا اکل و شرب بنمایم و با زن خود بخوابم؟! به حیات جان تو قسم که این کار را نخواهم کرد! و داوود به اوریا گفت: امروز نیز این‌جا باش و فردا تو را روانه می‌کنم. پس اوریا آن روز و فردایش در اورشلیم ماند و داوود او را دعوت نمود که در حضورش خورد و نوشید و او را مست کرد.

و وقتی شام بیرون رفته، بر بسترش با بندگان آقایش خوابید و به خانه‌ی خود نرفت. و بامدادان داوود مکتوبی برای یوآب نوشته، به دست اوریا فرستاد و در مکتوب به این مضمون نوشت که اوریا را در مقدمه‌ی جنگ سخت بگذارید و از عقبش پس روید تا زده شده بمیرد. و چون یوآب شهر را محاصره می‌کرد، اوریا را در مکانی که می‌دانست که مردان شجاع در آن‌جا می‌باشند گذاشت، و مردان شهر بیرون آمده با یوآب جنگ کردند و بعضی از قوم از بندگان داوود افتادند و اوریای حتی نیز بمرد. چون یوآب فرستاده‌ی داوود را از جمیع وقایع جنگ

خبر داد، آن‌گاه خبر داد به داوود که بنده تو اوریای حتی مرده است. چون زن اوریای شنید که شوهرش اوریای مرده است، برای شوهر خود ماتم گرفت و چون ایام ماتم گذشت، داوود فرستاده او را به خانه خود آورد و او زن وی شد و برایش پسری زایید اما کاری که داوود کرده بود در نظر خداوند ناپسند آمد».

این پیامبری که کتاب مقدس معرفی می‌کند، یک پیامبر قاتل! یک پیامبری که با زن شوهردار این کارها را می‌کند!

تمام

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ